

## و این بار جنگ

### خاطراتی تلخ، داستان‌های خوب

شاید بزرگ‌ترین تفاوت **من قاتل پسر تان هستم\*** با دیگر آثار جنگ (البته نه کلیت آثار) در نگاهی است که احمد دهقان در این مجموعه ده داستانی ارائه می‌دهد؛ موقعیت‌های بکر که لمسشان توسط دهقان، در پرورش و پرداخت آن بسیار تاثیرگذار بوده است. دهقان در این مجموعه صحنه‌های تکان‌دهنده‌ای از جنگ را در پیش چشم خواننده می‌گشاید، تصاویری که به راحتی از ذهن مخاطب پاک نخواهد شد.

آدم‌های این داستان‌ها نیز مانند موقعیت‌هایش تفاوتی اساسی با دیگر آثار نوشته شده در این زمینه ندارند. آدم‌های دهقان نه شخصیت‌های مذهبی و یک سر پرهیزکار و مومن‌اند (سفید) و نه مانند برخی آثار آدم‌هایی با انگیزه‌های شخصی و گاه گریزان از جنگ که اجباراً به جبهه رفته‌اند. آدم‌های این مجموعه آدم‌هایی هستند ساده که تنها وظیفه‌ای را که گمان می‌کردند بر دوش داشته‌اند، انجام داده‌اند و حالا پس از جنگ حیران و وامانده در برزخی بین جنگ و زندگی دست و پا می‌زنند.

داستان‌های این مجموعه را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: داستان‌های خوب و داستان‌های متوسط. و شاید همین معضل باعث شده است مجموعه‌ای که می‌توانست بسیار قوی‌تر و یکدست باشد، به مجموعه‌ای متوسط بدل شود. گرچه داستان‌های خوب این مجموعه

آنقدر خوب هستند که بشود بر داستان‌های متوسطش چشم بست. غالب داستان‌های این مجموعه آمیزه‌ای است از تصاویر و فضاهای خشن، با محوری دراماتیک که به خلق تراژدی‌های تاثیرگذار می‌انجامد، مانند تلفیق یک موقعیت عاشقانه (دراماتیک) با فضای خشن و بی‌رحم جنگ در داستان **تمبر**. و این تراژدی، سرگذشت انسان‌هایی است که بزرگ‌ترین رویداد زندگی‌شان، جنگ بوده است؛ جنگی که اکنون چیزی جز مشتی خاطره تلخ و وجدانی تب‌آلود نیست، و البته تنهایی؛ تنهایی که سبب می‌شود صحنه‌های دردناک و غم‌انگیز جنگ در خلوتی بی‌هیاهو و در آرامشی خلسه‌وار روایت شود؛ که این آرامش روایت خود از نکاتی است که تاثیر داستان را بر خواننده دو چندان می‌کند.

گذشته از موقعیت‌های انسانی بکر و استثنایی داستان‌ها، ساختار روایتی داستان از دیگر عوامل تاثیرگذار این مجموعه است. داستان‌ها بیشتر با بازگشت به گذشته (Flash back) بیان شده است. این شیوه نه تنها باعث حذف بسیاری از صحنه‌های اضافی که ممکن بود نوع دیگری از روایت بر نویسنده تحمیل کند، گشته؛ بلکه با باقی ماندن راوی در زمان گذشته (زمان جنگ) عملاً تاثیر جنگ بر روابط آدم‌ها با یکدیگر و دنیای پیرامونشان را پس از گذشت سال‌ها به تصویر می‌کشد.

از دیگر نکات برجسته این مجموعه، سادگی روایت داستان است. راویان داستان‌های احمد دهقان نمی‌توانند پیچیده روایت کنند زیرا اینان در تنهایی بازگوکننده خاطرات خود هستند و لاجرم به سبک



زبان داستان گرچه در بیشتر موارد آهنگین و منطبق با روایت است و همین آهنگین بودن، در ارتباط مخاطب با اثر بسیار موثر بوده است. اما ایرادات اساسی نیز در آن به چشم می‌خورد که برخی از اشتباه ویراستار ناشی شده است (خط اول داستان تمبر / صفحه ۳۲) «حتی تنها مادر پیرش...» مگر یک نفر چند مادر می‌تواند داشته باشد، یا سطر سوم از بند اول داستان «مسافر»: «یاکت را برگرداندم که نشانی و اسم ننه مریم را دیدم» که به نظر می‌رسد به جای «که» باید از «یا» ویرگول استفاده می‌شد و برخی دیگر نیز از غفلت و شاید شتابزدگی دهقان نشأت گرفته است. مانند واوهای عطف بسیار که در مکالمه بین جوان‌های محلی و شخصیت داستان تمبر در می‌گیرد. (صفحه ۴۴) و یا عدم تفاوت بین گونه زبانی افراد محلی و پایتخت نشینان در داستان «تمبر».

**من قاتل پسر تان هستم** مجموعه داستان موفق است. اگر چه وجود چند داستان ناهمگون به لحاظ پرداخت و موقعیت (مثل زندگی سگی) از یکدستی مجموعه کاسته است، اما به دلیل ارائه چهره متفاوت از جنگ و همچنین پرداخت ساده و در عین حال داستانی؛ که به همزاد پنداری مخاطب و شخصیت‌های داستان می‌انجامد؛ می‌توان این مجموعه را در زمره آثار موفق سال‌های اخیر ادبیات جنگ قرار داد.

#### پانویس:

\* من قاتل پسر تان هستم (مجموعه داستان)، احمد دهقان، تهران، افق، ۱۳۸۳.

خاطره‌گویی، ساده و بی‌هیچ پیچیدگی روایتی، آنچه را بر آنان گذشته است، روایت می‌کنند. این گونه روایت افزون بر اینکه به نزدیکی مخاطب و داستان کمک کرده است، فضای خشن داستان را نیز به حسی عاطفی و خودمانی بدل می‌کند. این فضا که از روایت خاطرات غم‌انگیز انسان‌هایی پدید می‌آید که در موقعیتی خطیر و بی‌راه‌گریز گرفتار آمده‌اند (فردی که مجبور است ناجی و دوست خود را برای حفظ جان دیگر هم‌زمانش بکشد)؛ اما ویژگی مثبت دیگری که احمد دهقان در این مجموعه موفق به خلق آن شده این است که خاطره‌گویی در داستان‌ها هرگز سبب ایستایی و سکون روایت نشده است. خواننده در خلال روایت خاطرات، با عناصر تصویری و جزء پردازی‌هایی مواجه است که منجر به خلق تصاویری زنده و پویا می‌شود؛ تصاویری که داستان را ملموس‌تر کرده و قصه را از سکونی که منجر به انقطاع حسش می‌شود، نجات می‌دهد.